# عدم تلازم بین حرمت تکلیفی و حرمت وضعی

نکته مهم دیگری که میخواهم عرض کنم؛ ایشان به این صورت پایه ریزی کردند که طلاق مبغوض است؛ حرام است. درحالیکه ما در فقه اموری داریم که اصلا نظیر دارند؛ چیزی که حرام است اما صحیح است. چیزی که حلال است اما باطل است. یعنی فوق استدلال شما این است که کسی که میخواهد بی خودی طلاق بدهد، گناه است. خُب وقتی گناه است، باطل هم هست یا نیست؟ این استدلال جدا میخواهد. یعنی به صرف اینکه اقتضاء حرمت را ثابت کردید، نمیتوانید نتیجه بگیرید که همراه حکم اثباتی، بطلان هم بود. درحالیکه اینها با هم ملازمه ای ندارند. شما از کی دلیلی اقتضاء حرمت را استفاده میکنید. اقتضاء بطلان دارد یا ندارد؟ و حال اینکه در فقه جایی را داریم که حرام است ولی صحیح است. مثال رایج آن چیست؟ بیع عند النداء. «وَذَرُوا الْبَيْعَ»؛ بیع حرام است اما صحیح است. آن جایی که حلال است اما باطل است؛ بیع صرف بدون تقابض در مجلس. بیع صرف انجام بدهید و در مجلس تقابض نکنید؛ وقتی تقابض نکردید کار حرام کردهاید؟! بگوئید اگر چندبار دیگر هم انجام بدهی پشت سر تو نماز نمی خوانیم! نه. اگر صرفی انجام بدهید که تقابض نشود کار حرامی نکردهاید، اما حرمت وضعیه دارد؛ یعنی عدم نفوذ دارد. باطل است.

**شاگرد:** اینکه فرمودید مربوط به پیوستگی حکم وضعی و حکم تکلیفی در معاملات بود. ما عقد را قبلاً به معاملات بردهایم. بالأخره دو طرف دارد و ... .

**استاد:** درست است ما حرفی در این نداریم. میخواهم بگویم که این دو با هم ملازمه ای ندارند. شما علاوهبر اثبات حرمت، باید این ملازمه را هم اثبات کنید. کافی نیست بگویید بیع عند النداء حرام است که در نتیجه خودت میدانی که باطل است. نه! منظور من این است. ملازمه ای بین آنها نیست. باید مئونه اضافی خرج کنید. باید دلیل بیاوری که در اینجا باطل هم هست.

در اینجا آلآن زوجه مظلومه ای را طلاق میدهد. هر عرفی آن را ببیند میگوینند عجب شوهر ظالمی بود. ما روی حساب اعتقاد میگوییم  فردا خداوند یکی از بزرگترین گناهان را بر گردن او میگذارد و او را هم مواخذه میکند. اما میتوانیم بگوییم الآن در شرع، طلاق او باطل بود؟! اگر بعد از طلاق، زن او ازدواج کرد وطی به شبهه میشود، چون هنوز زن شوهر قبلی است؟! این لوازم را دارد. یعنی به صرف اینکه به انشاء ثبوتی برگشت این طلاق باطل میشود؟! این زن، هنوز زن او است و هر چه هم از شوهر دوم اولاد دارد، همه آنها ولد به شبهه هستند. به این آثار هم فکر کردهاید؟! درحالیکه اینطور نیست. الآن لازم گیری شما این میشود. اگر جواب دارید بفرمایید.

**شاگرد:** در این مرحله تنها در صدد اثبات حکم تکلیفی بودم.

**استاد:** بله، حکم تکلیفی واقعاً به این صورت است. همانطوری که عرض کردم فقها برای حکم تکلیفی با نگاه تضاد، یک سختگیری هایی دارند. مرحوم صاحب جواهر به این صورت هستند که وقتی صحبت از حکم لزومی حرمت و وجوب است، ماشاللّه چه کار میکنند! وقتی حکم کراهت و ندب

است، بحث می‌کنند و مطالب خیلی خوبی هم می‌کنند؛ در جواهر در برخی از جاها که از حکم ندبی بحث می‌کنند فایده‌اش در فضای فقه به مراتب از بحث‌هایی که در حکم الزامی کرده‌اند بالاتر است. اما معمولاً به این صورت است که در آخر کار می‌گویند «الا ان الحکم ندبیّ و الامر فی سهل». خُب چرا وقتی ندبی شد، می‌گویند «الامر فیه سهل»؟! چون همین نگاه دسته‌بندی کلاس است، به‌عنوان احکام متضاد. یعنی فقیه می‌گوید من می‌خواهم به خداوند وجوب نسبت بدهم. خُب خیلی هزینه دارد. اما وقتی ندب است خلاصه ندب است؛ اگر مکلف انجام بدهند یا ندهند کاری نشده است. با این نگاه همینطور است. اما اگر شما نگاه را از پنج تا بالاتر ببری. اینجا دیگر نمی‌گویی «الامر فیه سهل».

**شاگرد:** صعب می‌شود.

> 30:35

استاد: ای صعب می‌شود ای معنایی وسیع می‌شود. به این معنا که شما می‌توانید از ادله شرعیه خروجی‌های متعدد و جوراجور بگیرید. بعضی وقت‌ها خود فقها از همین لحنی که شارع دارد - که واقعی است- برای طفره رفتن از جواب به کار برده‌اند. یکی از آن‌ها که یادم می‌آید این بود: در جواهر هم

هست؛ تعبیر می‌کنند به «إنفاذ الماء في قارورة إليها»[1]؛ البته قبلاً هم بوده. امروز فن‌های آن درآمده است. ولی اصل تزریق بوده. قضاوت حضرت هم معروف است؛ آن دختر باکره حامله شده بود بدون این‌که عملی صورت گرفته باشد. خُب این‌که با یک وسیله‌ای آن را داخل رحم زن اجنبیه کنند، چیست؟ نه زنا است و نه... . خُب حرام هست یا نیست؟ ما برای حرمت دلیل می‌خواهیم. حاج آقا می‌فرمودند این خلاف ارتکاز متشرعه است. از مواردی بود که این اواخر تجویز نمی‌کردند. می‌فرمودند ارتکاز متشرعه این را نمی‌پذیرند؛ یعنی نطفه اجنبیه باشد و با یک قاروره‌ای یک سوزنی آن را در رحم اجنبیه‌ای وارد کنند. آن چه که منظور من بود، این بود: همین را از آسید ابوالحسن پرسیدند. خُب این‌ها فقیه هستند. فرمودند عملی است قبیح! خُب فتوا چه شد؟! این هم یک جور جواب است. سید به این صورت جواب دادند؛ راست هم می‌گویند. اما اگر بخواهد به‌صورت آن پنج متضاد، جواب بدهد باید خط‌کش بگذارد. خُب این‌که عملی است قبیح، حرام است یا مکروه است؟

**شاگرد:** مرحوم بهجت حرمت تکلیفیه را می‌فرمودند؟

**استاد:** این اواخر به این صورت بود. بالاتر از احتیاط می‌فرمودند که برای اجنبیه این کار را نکنند.

**شاگرد۲:** ظاهراً در تزریق مشکل داشتند و الا اگر در آب بنشیند و به نحوی باشد که تزریق نباشد، دیگر روشن نیست.

**استاد:** در آن جا هم تعمد را اجازه نمی دادند. اگر خودش عمداً چنین کاری کند، اجازه نمی دادند. اما این‌که خودش شد، چاره‌ای نداشته است.

**شاگرد۲:** درجایی‌که تزریق نیست ولی عمداً نشسته، ارتکاز متشرعه را هم می‌گفتند؟

**استاد**: تصریحش نبود. شاید از آن چیزی که می‌گفتند استفاده شود. الآن هم متشرعه همینطور است. یک زنی چنین کاری بکند ناراحت می‌شوند. یعنی می‌بینند اصلاً با آن نظامی که از مسائل شرعی دارند این کار او جفت و جور نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 12:29:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 12:30:47 توسط ... .